

عراق

پل ارتباطی رژیم صهیونیستی و دولت‌های مرتجع عرب

هنگامی که سادات معدوم توسط انقلابیون به جنم روانه گشت، بسیاری از روزنامه ها و مجلات خارجی علامت سوال بزرگی را در مقابل روند صلح!! کمپ دیوید نهادند. همه از یکدیگر می پرسیدند آیا اینهمه تلاش آمریکا برای برقراری یک «صلح عادلانه» برای مسائل پیچیده و غامض خاور میانه به ثمر خواهد رسید یا خیر؟

«کمپ دیوید» برنامه‌ای بود که آمریکا آنرا به عنوان سیاست اصلی خود برای به سازش کشاندن اعراب در مقابل اسرائیل غاصبت انتخاب کرده بود و

گرچه سادات قدم در راه سازش بلکه تسلیم گذاشت و عملاً از دور مبارزه خارج گشت و یکی از قدرتمندترین جبهه ها علیه اسرائیل خاموش گشت، ولی آمریکا نمی توانست شاهدانزوای مصر در جهان عرب باشد. انزوای مصر، این کشور قدرتمندنیای عرب را از تحولات دیگر کشورهای عرب دور می ساخت و لذا مصر نمی توانست از ارتجاع عرب و از سیاستهایش دفاع کند. درحالیکه آمریکا به این پیوستگی مرتجعین از شمال آمریکا تا اقیانوس هند احتیاج داشت. آمریکا، گرچه مصر را به سازش

* خروج نیروهای صهیونیستی از صحرای سینا فرصت جولان

بیشتری به رژیم حسنی مبارک داده است.

* ما باید با سیاست تهاجمی خود هرگونه حرکت فعال ارتجاع عرب و

آمریکا را در قبال مسئله فلسطین خنثی سازیم.

سادات شاه مهره این برنامه صلح بود. آمریکا با اجرای این سیاست صلح خود توانسته بود یکی از قدرتمندترین کشورهای عرب را که تا آن زمان رهبری اعراب را نیز بعهده داشت، نه تنها برسرزمین مذاکره بکشاند، که حتی سادات را وادار سازد که قدم برسرزمینهای اشغالی گذاشته و درحکومت اشغالی فلسطین سفارتخانه تاسیس نماید.

آمریکا طی سالهای متمادی کوششهای فراوانی برای کشاندن پای دیگر کشورها به برنامه صلح خود درخاورمیانه انجام داد ولی شرایط آنروز و مقاومت بعضی از کشورهای عرب همچون سوریه و اقدامات کشوری همچون لیبی که مدام بر علیه سیاست سادات سخن می گفت، باعث گشت اعراب مرتجع علناً و آشکارا به این روند صلح نگروند. بنابراین

و تسلیم وادار کرده بود، ولی خود نیز عملاً بن بست کمپ دیوید را احساس می کرد. آمریکا می دانست که قطع رابطه هر چند ظاهری بسیاری از کشورهای عرب با مصر بخاطر امضاء قرارداد ننگین کمپ دیوید، همچون سدی در مقابل آینده سیاست های آمریکا در منطقه به چشم می خورد بخصوص اینکه برپایی جمهوری اسلامی ایران رژیمهای مرتجع عرب منطقه را به نوعی بی ثباتی دچار ساخته بود. انقلاب اسلامی ایران بانفی هرگونه راه حلهای سازشکارانه و اصرار در آزاد سازی قدس عملاً باعث گشته بود گرایشهای نسبتاً تند (ولی هر چند ظاهری) را در رابطه با مسئله فلسطین در کشورهای عرب بوجود آید.

حال می بایست آمریکا چند نقشه را یک جا به

اجرا بگذارد: از یکطرف با استفاده از نیروی اعراب، انقلاب اسلامی ایران را شکست دهد و از طرف دیگر جمهوری اسلامی ایران را در قبال مسئله فلسطین خلع سلاح سازد و دیگر اینکه کمپ دیوید را که عملاً با انزوای مصر به بن بست رسیده بود، به سیاست نویسی که خود مجری آن باشد پیوند بزند. برای نیل به این اهداف، آمریکا سیاستهای ذیل را انتخاب کرد:

۱- برنامه طرح صلح ۸ ماده ای فهد (که مع الاسف از روی عهد مدنی است خبرگزاریهای جهان از آن سخنی نمی گویند)، به عنوان محور سیاست آینده آمریکا در قبال مسئله فلسطین مطرح گردد. واقعیت این است که طرح صلح (۱) ۸ ماده ای شاهزاده سعودی نه تنها هیچ فرقی با کمپ دیوید ندارد، بلکه خاصیت اصلیش این است که سخنی از مصر و خیانت این کشور به میان نمی آورد و لذا به راحتی می توان گفت این طرح کمپ دیوید را که عملاً به بن بست رسیده بود، به سیاست آتی آمریکا در قبال مسئله فلسطین پیوند می زند.

جالب است بدانیم عربستان که به اصطلاح مبتکر اصلی این طرح صلح خائنه و آمریکایی است پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به عنوان شاه مهره آمریکا در منطقه حساس و حیاتی خلیج فارس از طرف آمریکا انتخاب گردید و آمریکا سیاستهای تسلیحاتی گسترده ای را در قبال این کشور و ضرورتاً برای مقابله با رشد روزافزون انقلاب اسلامی ایران به اجرا گذاشت.

۲- آمریکا تصور می کند که اگر بتواند یک راه حل «عربی» برای مسئله فلسطینی بیابد، بطوریکه بسیاری از کشورهای عرب و جناحهای سازشکار فلسطینی آنرا بپذیرند، عملاً سیاست تهاجمی ایران را در قبال مسئله فلسطین خنثی خواهد کرد. چرا که وقتی فلسطینی ها و اعراب توافق کردند که از فلان طریق می توانند به حقوق حقه خود دست یابند، دیگر در این میان ایران چه کاره خواهد بود که در کار دیگران فضولی کند؟! ولی خوشبختانه باید گفت که هوشیاری امام خمینی و اعلام اینکه مسئله قدس فقط مسئله اعراب نیست، بلکه مسئله جهان اسلام است، توانست این سیاست آمریکا را بالقوه و بالفعل خنثی سازد. همین جا لازم است به مسئولین جمهوری اسلامی ایران تذکر داده شود که ما باید با سیاست تهاجمی خود هرگونه حرکت فعال ارتجاع عرب و آمریکا را در قبال مسئله فلسطین خنثی سازیم. جمهوری اسلامی ایران باید هرچه سریعتر پیوند خود را با دیگر کشورهای مترقی عرب عمیق تر سازد تا مواضع آنان را نیز نسبت به مسئله فلسطین حادتر نماید چرا که به اعتقاد ما اگر جمهوری

اسلامی ایران در منطقه به وجود نمی آید، تاکنون آمریکا باقیمانده کشورهای عرب را نیز به سر میز مذاکره کشانده بود.

خوشبختانه یکبار طرح صلح ۸ ماده ای شاهزاده سعودی باز هم با افساگری به موقع امام و فعالیت دیپلماتیک وزارت امور خارجه با شکست مفتضحانه ای در کنفرانس سران عرب در فاس مراکش روبرو شد ولی باید از همین امروز بار دیگر بر علیه طرح آمریکایی فهد موضع گیری کرد و با تماس با دیگر کشورهای مترقی عرب آنان را نیز وادار کرد که علیه این نقشه آمریکا موضع حادی اتخاذ نمایند.

۳- و اما مهمترین بخش سیاست آمریکا در خاور میانه بازگرداندن مصر به دنیای عرب است. پس از تخلیه صحرای سینا توسط سربازان صهیونیستی و پردن آن بدست نیروهای پیمان ناتو، رژیم سرسپرده مصر و ارتجاع عرب فرصت یافته اند تا بازگشت مصر به جامعه عرب را مطرح سازند. کانالی که آمریکا برای اجرای این نقشه خود استفاده می کند، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است. گرچه تا قبل از تخلیه سینا و اعلام بیطرفی مصر در قبال جنگ تحمیلی و حمایت علنی از «صدام» و ثبات و امنیت منطقه خلیج فارس، این کشور به عراق کمک های نظامی می کرد، ولی خروج نیروهای صهیونیستی فرصت جولان بیشتری به رژیم حسنی مبارک داده است.

روزنامه کریستین ساینس مانیتور پس از آغاز حمله «الی بیت المقدس» در رابطه با کمکهای مصر به عراق تحت عنوان «مبارک مصمم است از انتشار انقلاب اسلامی ایران جلوگیری کند»، نوشت: «با حملات جدید ایرانیها در جبهه های نبرد که عراق را تهدید می کند، مصر تقریباً همه بیطرفی خود را از دست داده است و آشکار تر از گذشته از عراق جانبداری می کند. اگر رژیمهای عراق و دیگر کشورهای خلیج فارس از مبارزه با ایرانیها جان سالم بدر ببرند و در صورتی که مصر بتواند سهمی در این پیروزی داشته باشد، این مسئله موجب بازگشت هر چه سریع تر مصر به دنیای عرب خواهد شد.» یکی از مقامهای وزارت خارجه مصر به این روزنامه گفته است:

«انها (مصریها) احساس می کنند که ایران نقطه ای برای اصلاح روابط بین کشورهای عرب و مصر می باشد... آنچه ممکن است موجب هر چه سریعتر ساختن این نزدیکی گردد (نزدیکی مصر به دیگر کشورهای عرب)، رفع احتیاجات عراق و

بسمه در صفحه ۶۷



* مرحله دوم طرح

نام طرح

روزنامه های

مصری در

مصر است

۱۵ خرداد....

تاریخ که امسال به طبع رسید و به بجه های معصوم ما تعلیم می شود بعد از اینکه مطالب دروغی را آخرش نوشته که معلوم می شود قطع نفوذ روحانیت در رفاه این ملت مفید است. رفاه حال ملت باین است که روحانیون را از بین ببرند. هیتطور است

اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد این ملت یک وقت اسیر انگلیس باشد یک وقت اسیر آمریکا اگر نفوذ روحانیون باشد توی دهن این مجلس می زند. توی دهن این دولت می زند. وکلارا از مجلس بیرون می کند. اگر نفوذ روحانیون باشد. تحصیل نمی تواند بشود که یک عده وکلا برسروش مملکتی حکومت کنند. اگر نفوذ روحانیون باشند نمی گذارند که یک دست شانده آمریکا این غلطها را بکند بیرونش می کنند از ایران نفوذ روحانی مضر به حال ملت است!! نخیر. مضر است. به حال شما. به حال شما خانها. نه مضر به حال ملت»

و پس از سخنرانی امام است که رژیم درمی یابد وجود امام خمینی در ایران به معنی نابودی دستگاه سلطنت خواهد بود. لذا با این امید که با دوری خمینی از خلق، ۱۵ خرداد نیز از یادها دور گردد. امام

را در ۱۳ آبان به بورسای ترکیه تبعید می کند (طبق اعلامیه موثق و شواهد و دلائل کافی) چون رویه آقای خمینی و تحریکات مشارالیه بر علیه منافع ملت و امنیت و استقلال ۱۱ کشور تشخیص داده شد لذا در تاریخ ۱۳ آبان ماه ۱۳۴۳ از ایران تبعید گردید)

رژیم در این بیانیه. سعی آن می کرد تا امام را تنها بشناسد و وانمود سازد که با رفتن او، انقلاب نیز ساکت خواهد گشت... اما رژیم چه کور دل بود که نمی توانست درک کند که: دلسوزی خمیلی نه برای خود. که برای اسلام است. و با رفتن خمینی اگر چه رهبری نهضت تبعید شده. اما جریان آن همچون آتشی زیر خاکستر خواهد بود...

۱۵ خرداد وقدرتهای کفرجهانی

انچه مسلم است آنکه قیام ۱۵ خرداد به علت اسلامی بودنش، مورد محکومیت تمامی ابر قدرتها بود و این قیام هم از جانب جهان سرمایه داری و هم از جانب جهان کمونیسم. به عنوان یک قیام کور و به عنوان یکی از تحریکات مخالفان اصلاحات شاه. معرفی شد.

لذا در آن روزهای بحرانی. هم رادیو مسکو و هم صدای واشنگتن. این قیام را محکوم کرده و مردم مسلمان و خون داده را وحشی و بی فرهنگ و جاهل قلمداد نمودند...

در داخل کشور نیز. این قیام الهی مورد تاخت و تاز تورسین های دو جهان بینی کاپیتالیستی و مارکسیستی قرار گرفته و از هر دوسو. مورد طعنه واقع گردید... و جالب آنکه این هر دو گروه در یک امر شریک بودند و آن هم اعتقاد داشتن به ارتجاعی!! بودن قیام خونبار ۱۵ خرداد...

اما. گذشت سالها نشان داد که ارتجاع رو. چه کسی است و مرتجع کیست؟؟؟

و بدین ترتیب برغم بدخواهان شرقی و غربی. ۱۵ خرداد رفت تا شکوفانی تاریخ ایران زمین را موجب شود و خورشید آزادی گردد و مایه روح بخشی و الهام دهنی. نسلهای آینده قرار گیرد. آری و هم اینکه ما در استانهی آن خردادیم که انقلاب اسلامی را جشن می گیریم...

و از لطف خون پاک آن شهیدان است که امروز زیر سایه جمهوری اسلامی می زییم...

والسلام

عراق - پل.....

رژیمهای میانه رو در خلیج فارس. برای دفع ایران انقلابی و به پا خاسته است.

در همان روزها بود که مارشال ابو غزاله وزیر دفاع مصر گفت: «امنیت خلیج فارس بخشی از امنیت مصر است.»

مصر تنها بستگی به مرزهایش ندارد به این دلیل که مصر نقش بلاتردیدی در منطقه دارد. ابو غزاله همچنین گفت:

«مصر خواستار ثبات خلیج و شبه جزیره عربستان و امنیت رژیمهای این منطقه است.» و در همین سخنرانی بود که ابو غزاله اعلام کرده مصر بدون واسطه و بطور مستقیم برای عراق اسلحه

صادر کرده است.

و به این ترتیب است که مصر تلاش می کند به بهانه پایان یافتن مرحله اول کمپ دیوید و خروج نیروهای صهیونیستی از سینا و همچنین با توسل به عراق. عربیت و حمایت از رژیمهای عربی در مقابله با تهدیدات توسعه طلبانه!! و صادراتی انقلاب اسلامی ایران. به جامعه عرب باز گردد. به تعبیر صحیح تر رژیمهای مرتجع عرب فرصت یابند تا روابط مخفی خود را با مصر آشکار کرده و بدین ترتیب مرحله دوم کمپ دیوید با نام طرح صلح فهد آغاز گردد.

بدیهی است با باز کردن پای مصر به جنگ

تحصیلی. روزهایی را بر آخرین روزهای نکت بار عمر سیاسی صدام اضافه کنند و یک ارتش عربی قوی نیز در جنگ با ایران اسلامی نابود گردد و چه چیزی برای اسرائیل غاصب از این بهتر که یک به یک ارتش های عربی منهدم گردند تا همه گونه خطرهای احتمالی که موجودیت رژیم صهیونیستی را تهدید می کند. از میان برداشته شود. زیرا که تجربه انقلاب اسلامی ایران و ترور سادات معلوم. این درس را به آمریکا و اسرائیل داده است که هر لحظه ممکن است یک رژیم صد در صد ارتجاعی با قیام گسترده اسلامی و انقلابی ملت ها به خصمی آتشی ناپذیر یا آمریکا و اسرائیل تبدیل گردد. والسلام

اگر خانی....

غیر از اینکه خوانین در کمیته جمع شده اند. که نمایندگان سیستان نه تنها در خدمت مستضعفین نیستند بلکه از خوانین هم حمایت می کنند و شاهد گفته هم فرمایشات امام جمعه موقت حجت الاسلام رفسنجانی را عنوان کرده بود. که از ناراحتی و متوقف شدن کارخانه ها. ناراحت می شوند اما از

سیستانی و بلوچ که هسته خرما می خوردند ناراحت نمی شوند. این مطلب ایشان را به تهمت می کند که به ما زده بودند چسبانه بود. مجله جهاد را به خدمت جناب آقای رفسنجانی بردیم و گفتیم. آیا ما هیچگاه برای کارخانه داری واسطه شده ایم؟ فرمودند خیر. و گفتیم پس اینکه در مجله جهاد نوشته اند چیست؟

جهاد